

## نسخه نادر تاریخ سلاطین گجرات\*

شادروان نذیر احمد

ترجمه خان محمد صادق جونپوری\*

دانشگاه اسلامی علیگره بنا به سفارش بنده نسخه‌ای خطی متعلق به تاریخ گجرات را از مولانا احترام‌الدین شاغل خریداری کرد. به نظر من این نسخه بسیار نایاب<sup>۱</sup> است و در بعضی از کتب تاریخی<sup>۲</sup> نام آن آمده است؛ ولی تاکنون هیچ نسخه‌ای از آن یافت نشده بود. این نسخه کتاب تاریخ سلاطین گجرات شامل سه بخش است. مؤلف کتاب درباره این اثر خود چنین توضیح می‌دهد:

«اما بعد واضح باد که در طبقه اول از تاریخ گجرات حالات ظفر خان المخاطب به سلطان مظفر شاه گجراتی که اول صوبه دار گجرات بود و به آخر بنای سلطنت گجرات نهاد سلطان والا شان گردید از سنه هفتصد و چهل و سه تا چهارم ماه

♦ فصلنامه فکر و نظر، دانشگاه اسلامی علیگره، ژوئیه ۱۹۶۰ م، ج ۱، شماره ۴، ص ۸۵-۷۲؛ اینجا خلاصه آن مقاله ارائه شده است.

\* دانشجوی فوق لیسانس فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

۱. استوری در کتاب پرشین لیتریچر نامی از آن نبرده است.

۲. در تاریخ فرشته نام آن آمده است. امین احمد رازی یک بار در ورق ۵۰ ب نوشته است: در طبقات محمودشاهی آمده که در شصت و نه هجری به بصره سه روز طاعون شد. در جای ورق ۹۵ ب نوشته است: صاحب طبقات محمودشاهی آورده که در سنه اربع و اربعین و اربع مائة به خوزستان و توابع آن زلزله دست داده. ولی این اثر، کتاب مورد نظر ما نمی‌باشد چرا که در این تاریخ فقط شامل تذکره پادشاهان مسلمان گجرات می‌باشد. در طبقات اکبری ص ۳ نام طبقات محمودشاهی آمده است ولی قرینه‌ای وجود ندارد که نشان دهد مراد وی همان تاریخ گجرات می‌باشد. در تحفة الکرام (۲: ۲۵۲) نیز نام طبقات محمودشاهی آمده ولی این اثر نیز کتاب دیگری است.

ربیع الاخر سنه هشتصد و چهارده نوشته‌ایم و در طبقه دوم از هشتصد و پانزده آغاز نموده تا سنه هشتصد و شصت و سه حالات سلطان احمد شاه گجراتی و سلطان محمد شاه بن احمد شاه گجراتی و سلطان قطب‌الدین بن محمد شاه و سلطان داوود شاه بن احمد شاه گجراتی نگاشته‌ایم و اکنون به طبقه سوم می‌پردازیم و احوال سلطان محمود شاه گجراتی بن سلطان محمد شاه برادر کوچک سلطان قطب‌الدین گجراتی المعروف به شاه محمود بیگره می‌نگاریم و ما توفیقی الا بالله العلی العظیم».

از این عبارت عنوان این نسخه معلوم می‌شود:

«الحمد لله والمنه که این صحیفه گرامی الموسوم به طبقه سوم از تاریخ گجرات به اتمام رسید».

از این عبارت چنین برمی‌آید که نسخه فعلی جزئی از کتابی تاریخی است که دوران حکومت شاه محمود را دربرمی‌گیرد و غالباً اسم آن «طبقه سوم محمود شاهی» بوده است و نام کل کتاب (طبقات) تاریخ گجرات است.

کاتب نسخه درباره مؤلف اثر چنین می‌نویسد:

«مخفی مباد که این میبضه است از مسوده تاریخ گجرات طبقه سوم مصنفه اوستای و ملاذی حضرت مولانا العظیم شرف‌الدین محمد بن احمد بن عیسی بن علی البخاری المتوفی فی شهر صفر المظفر به تاریخ دهم سنه نهصد و بیست و یک، و آن موصوف از اجله دانشوران عصر بود و وابسته دولت شاهزاده مظفر که الآن بر تخت دولت ابد مدت آبای خویش جلوه فرماست ادام الله ملکه و سلطنته، به قلم محمد بن نصیر کرخی در نهصد و بیست و سه به تاریخ دوم شعبان المعظم به وقت عصر در بلده احمدآباد بر منصفه قرطاس جلوه افروز شد».

از قسمت آخر این عبارت چنین ظاهر می‌شود که این نسخه را شاگرد مؤلف در عرض دو سال پس از وفات مؤلف آماده کرده است. این کتاب شامل وقایع تاریخی تا سال ۹۱۷ ق است. در همین سال محمود شاه وفات کرد و مؤلف در سال ۹۲۱ ق درگذشت. یعنی این کتاب بین سال‌های ۹۱۷ و ۹۲۱ ق مرتب شده است. (پس از درگذشت محمود شاه و قبل از فوت مؤلف) این نسخه یا نسخه منقول عنه قدیم‌ترین

نسخه این اثر است که براساس نسخه مؤلف مرتب شده است؛ چرا که در ترقیمه این نسخه این عبارت مؤلف موجود است:

«از خوانندگان دعای مغفرت دارم».

در آخر این نسخه به زبان عربی تاریخ ورود به کتابخانه ۹۹۷ ق ثبت شده است: «۲۰ اوراق، چهاردهم شهر رمضان المبارک سنه سبعة و تسعين و تسع مائة سجل شده داخل کتابخانه شد عمل حبیب احمد».

در سمت راست آن به خط نستعلیق جلی ثبت است:

«ملاحظه کرده شد عبدالرحیم».

ممکن است ترقیمه این کتاب در گجرات نوشته شده باشد؛ چرا که این کتاب درباره تاریخ گجرات است. از نوشته دیگر چنین برمی آید که شاید این نسخه با عبدالرحیم خان خانان ارتباط داشته باشد و وی این نسخه را مطالعه کرده باشد؛ چرا که در سال ۹۹۷ ق خان مذکور حاکم گجرات بوده است. ولی اگر این جمله در همان تاریخ در گجرات نوشته شده باشد، پس نمی توان آن را به خان خانان نسبت داد؛ چرا که در اواخر ربیع الثانی سال ۹۹۶ ق خان مذکور همراه میر فتح الله شیرازی<sup>۱</sup> به دربار اکبر بازگشته بود و تا محرم سال ۹۹۸ ق<sup>۲</sup> یعنی تا تغییر حکومت گجرات، برگشت وی به این دیار ثابت نیست. این امکان نیز وجود دارد که این کتاب در گجرات یافت شده باشد و به کتابخانه خان خانان در شمال هند فرستاده شده باشد. در این صورت از نظر مکانی و تاریخی این نوشته را می توان به خان خانان منسوب کرد. ولی این امر بسیار بعید به نظر می رسد که خان خانان همه نسخه ها را شخصاً مطالعه کرده باشد، به ویژه اگر آن نسخه ای معمولی باشد. این امر نیز امکان دارد که این نوشته به یکی از نزدیکان خان خانان متعلق باشد که در کتابخانه وی مشغول خدمت بوده است. اتفاقاً یکی از مأموران خان خانان خوشنویسی به نام عبدالرحیم بود که تذکره وی در مآثر رحیمی جلد سوم جزء دوم چنین آمده است:

۱. طبقات اکبری ۴۰۶/۲.

۲. همان، ۴۱۰/۲؛ مآثر رحیمی ۲۴۵/۲، سال ۹۹۹ هجری اشتباه است.

«ملاً عبدالرحیم عنبرین قلم هروی از خوشنویسان روزگار است و نسخ تعلیق به‌غایت نیکو می‌نویسد و در اوایل سن که از خراسان به هندوستان شتافت، به‌دربار این سپهسالار آمد و به‌یمن شاگردی و تربیت سپهسالار ترقی تمام در خطش پدید آمد و آوازه خوشنویسی او هندوستان را فروگرفت و اکثر کتب این سرکار به‌خط آن نادره زمان است و مدت‌ها ملازم چاکر ایشان بود و در این کتابخانه تربیت او می‌کرد، کسب آداب می‌کرد تا آنکه سپهسالار او را به‌نظر خلیفه الهی برد و در سلک ملازمان پادشاهی درآورد. الحال در هندوستان بعد از ملاً محمد حسین کشمیری بهتر از وی نیست و رعایت‌های کلی و انعام‌های نمایان در ایام ملازمت یافت و الحال به‌دعاگویی مشغول است».

در آیین اکبری<sup>۱</sup> نیز پس از ذکر محمد حسین کشمیری از چند خطاط مشهور نام برده شده است که در خط نستعلیق سرآمد روزگار بوده‌اند. ملاً عبدالرحیم نیز از جمله این خوشنویسان بوده است. از مآثر رحیمی<sup>۲</sup> چنین برمی‌آید که خواجه حسین ثنایی دو قصیده خود را برای کتابت به عبدالرحیم خوشنویس داد و سپس آنها را به کتابخانه خان‌خانان عرضه کرد. به‌طور خلاصه چنین می‌توان گفت که دستخط روی نسخه اصلی این کتاب به‌احتمال زیاد دستخط ملاً عبدالرحیم خوشنویس است؛ ولی نسخه فعلی جدید است و کاتب آن عمداً تمام عبارت‌های نسخه اصلی را که اهمیت آن نسخه را نشان می‌داد، نقل کرده است. اگر کاتب پس از آن نام خود و تاریخ کتابت را می‌نوشت، جعلی بودن نسخه ظاهر نمی‌شد؛ ولی شکل فعلی این نسخه جعل کاتب را می‌رساند و این امر اهمیت نسخه اصل را نشان می‌دهد و ما متوجه می‌شویم که این نسخه در کتابخانه خان‌خانان موجود بوده است. کاتب این نسخه برای مخفی نگه داشتن جعل خود عبارت عربی و مهر ورود به کتابخانه را همانند نسخه اصلی نوشته است. دستخط عبدالرحیم به‌خط نستعلیق جلی و بقیه کتاب به‌خط نستعلیق خفی و روشن است و شاید صفحه به‌صفحه از نسخه اصلی

۱. ص ۲-۸۱.

۲. ج ۳، جزو ۱، ص ۳۶۰.

نقل کرده باشد تا تعداد اوراق کم و زیاد نشود. شاید هم کاتب سطر به سطر از نسخه اصلی نقل کرده باشد. به هر حال با وجود این احتیاطها جعل وی بر همگان آشکار شد و این امر بدیهی است؛ چرا که جوهر و کاغذ قرن سیزدهم یا چهاردهم با جوهر و خط قرن دهم متفاوت است. به هر حال این نسخه از نظر کمیاب بودن بسیار مهم است.

از نوشته کاتب چنین برمی آید که خانواده مصنف از بخارا به این شهر آمده بود. ما می دانیم که در آن زمان خانواده های بسیاری از منطقه علم دوست بخارا به گجرات آمدند و در همان جا اقامت گزیدند. مصنف در زمان شاه محمود بیگره در گجرات بود و به شاهزاده مظفر تعلق ویژه ای داشت. کاتب به این نکته اشاره نکرده است که بعد از به سلطنت رسیدن مظفر پادشاه مقام و مرتبه مؤلف که استاد و خیرخواه کاتب بود، چه تغییری کرد. مؤلف این اثر یعنی شرف الدین محمد از علمای ممتاز عصر خود بود.

ظاهراً محمد قاسم فرشته از این کتاب استفاده کرده است. در مأخذ تاریخ فرشته نام کتاب طبقات محمودشاهی به چشم می خورد. نام این کتاب دست کم چهار بار در تاریخ فرشته ذکر شده است: یک بار در مأخذ به نام طبقات محمودشاهی گجراتی و سه بار در متن به نام طبقات محمود شاهی. ظاهراً این عنوان متعلق به یک کتاب است. واژه گجراتی شاید به این دلیل اضافه شده است تا محمود شاه گجراتی (وفات: ۹۱۷ ق) و دو پادشاه مشهور آن زمان یعنی محمود بهمنی (وفات: ۹۳۴ ق) و محمود خلجی مندوی (وفات: ۹۴۷ ق) را از هم جدا کند. ظاهراً این اضافه را صاحب تاریخ فرشته خود انجام داده است. در متن کتاب این نام یک بار در جلد اول (ص ۱۶۱) در شرح زندگی سید خضر خان بن ملک سلیمان و دو بار در شرح حال محمود شاه بیگره آمده است. با مقایسه شرح حالات دو شخصیت ذکر شده در بالا با متن نسخه ای که در دست من است، می توان دریافت که منظور مؤلف تاریخ فرشته از کتاب طبقات محمود شاهی همین نسخه فعلی است. ما برای نمونه عبارات تاریخ فرشته و تاریخ گجرات تألیف شرف الدین محمد را در اینجا نقل می کنیم:

## تاریخ فرشته

در طبقات محمودشاهی<sup>۱</sup> مسطور است که در سنه اثنی و سبعین و ثمان مائه سلطان محمود جمال جهان آرای آفتاب فلک رسالت صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب دید که چاشنی گیر مرحمتش از خوان احسان خود دو طبق به او ارزانی فرمود و تعبیرش آن بود که او را در آن مدت دو موهبت عظمی و دو نعمت کبری نصیب گردید یکی فتح ولایت دون و نارد و دوم فتح کرنال.

صاحب طبقات محمود شاهی<sup>۲</sup> می گوید که سلطان محمود با وجود بنیه ضعیف و نازک بدنی از حداست تا وقت وفات در ایام سفر و روز نبرد جوشن آهنین که پیل تنی باید که به هزار حيله بردارد می پوشد و ترکشی پر از سیصد و شصت تیر بر کمر می بست و شمشیر و نیزه ضمیمه آن می ساخت.

## تاریخ گجرات

سنه هشتصد و هفتاد و دو شبی سلطان محمود در خواب چشمان سر را از جمال جهان آرای سرور کائنات صلی الله علیه و سلم منور ساخت و از سعادت عظمی زیارت مشرف گردید و دید که آن سرور صلی الله علیه و سلم دو طبق طعام از خوان فیض بنیان خویش او را مرحمت فرموده اند و چاشنی آنها چشانیده، معبران دانشور تعبیر کردند که دو قلاع مع ولایت بر دست سلطان چنان فتح خواهند شد که بر ربع مسکون مثالی نه داشته باشند سلطان قاصد فتح کرنال شد.

و در شجاعت و جلادت بی نظیر با وجود نحیف و نازک اندام در سفر و روز نبرد جوشن آهنین که برای تحمل او پیل تنی باید در برداشت و شمشیر و نیزه و کمان با ترکش پُر از سیصد و هشت تیر در کمر.

۱. ج ۲، ص ۱۹۶.

۲. ج ۲، ص ۲۰۵.

مقایسه این عبارتها این حدس ما را قوی (ولی بعضی موارد نشان می‌دهد که این حدس و گمان ما غلط است) می‌کند که منظور مؤلف تاریخ فرشته از طبقات محمودشاهی همان کتاب مورد نظر ما است. مثال‌های زیر این نظر ما را تأیید می‌کند:

#### تاریخ فرشته

#### تاریخ گجرات

اهل حلّ و عقد با عمادالملک وزیر سر از جیب اتحاد بر آورد، داود خان را که هفت روز سلطنت کرده بود معزول ساختند و بصلاح دید عمادالملک برادر کوچک سلطان قطب‌الدین را که محمود خان نام داشت در چهارده سالگی بر اورنگ سلطنت متمکن ساختند و روز جلوس خلائق... از بحر انعام او بهره‌مند گشتند و خارج اسپان تازی و عراقی و ترکی و خلتهای قیمتی و کمر شمشیر و خنجرهای زر افشان و یک کرور تنکه نقد بسادات و علما و صلحا واصل گشت.

داود شاه... بر سریر دولت متمکن شد اما بوجه نالایقی خود زاید از خفت روز سلطنت نتوانست کرد که اهل حلّ و عقد سلطنت او را معزول نموده بصلاح دید عمادالملک متفق شده برادر کوچک سلطان قطب‌الدین را که محمود خان نام داشت بعمر چهارده سالگی بر اورنگ سلطنت گجرات متمکن ساختند... روز جلوس سلطان محمود خلائق را به‌انواع نوازشات بیکران بهره‌مند ساخت و امرا و اعیان مملکت را به‌خلعتهای گران بار احسان خود نمود و ملازمان دولت را به‌انعامات وافر بنواخت و بر سادات عظام و علمای کران بالخصوص دست داد و جود دراز نمود که علاوه اسپان تازی و عراقی و ترکی و خلعتهای گران بها و شمشیر و خنجرهای جوهر دار و جوهر نگار و کمرهای مرصع کار یک کرور تنکه انفاق کرد.

از یکسان بودن مطالب و تکرار جمله‌ها و واژه‌ها می‌توان دریافت که مؤلف تاریخ فرشته نه فقط از تاریخ گجرات تألیف شرف‌الدین احمد استفاده کرده، بلکه در بعضی موارد عبارات را به‌عینه نقل کرده است. چند نمونه دیگر:

#### تاریخ فرشته

#### تاریخ گجرات

حلّ و عقد سلطنت و قبض و بسط داد و ستد به‌رأی زرّین عمادالملک وزیر مفوض گشته مهمّات پادشاهی رواج و رونق تمام پیدا و جمیع خلایق از وضع و شریف دل بر سلطنت او نهاده. لیک بعضی از کوتاه‌اندیشان مانند عضدالملک و صفی‌الملک و حسام‌الملک که از شأن صاحب اقتدار بودند... اتّفاق نموده گفتند که ما از تسلّط و استیلای عمادالملک و سختگیری‌های او به‌تنگ آمده‌ایم اگر سلطان او را معزول سازد فهوالمطلوب و آلا سلطان را از پادشاهی معزول ساخته برادرش حسن خان را به‌پادشاهی برمی‌داریم. سلطان محمود با وجود صغر سن به‌فراست دریافت که آنها همه بهتان و افتراست... لیک از آنکه مبادا همگنان حمل بر بی‌مروتی و بی‌وفایی من نمایند... پس عمادالملک را در زنجیر کشیده به‌پانصد نفر از مردم معتمد سپرده تا سر بام دروازه قلعه احمدآباد محبوس ساختند.

و کسی را از وضع و شریف محروم نداشت، قبض و بسط و حلّ و عقد مملکت به‌دست عمادالملک سپرد و خود به‌توجّه خاصّ در آبادانی و رونق‌افزایی مملکت پرداخت. اما چنانکه دستور اهل طغیان و حاسدان اخوان‌الشیطان بوده است، عضدالملک و صفی‌الملک و حسام‌الملک و برهان‌الملک که اعیان سلطنت بودند کنکاش نموده قرار دادند که ما از تسلّط و استیلای عمادالملک به‌تنگ آمده‌ایم اگر معزول نماید فهوالمراد آلا سلطان را معزول سازیم و به‌جایش حسن خان برادرش را پادشاه سازیم. سلطان محمود با وجود صغر سنی از فراست خداد خود دریافت که منشای‌شأن چیست... بدنام نه شوم که بر بی‌مروتی و بی‌وفایی و احسان‌ناشناسی من محمول کنند و عمادالملک به‌پا جولان انداخته به‌پانصد مردمان معتمد حواله کرد که بر بام دروازه قلعه محبوس دارند.



و در وقت سحر که نوبت سلطانی زدند و مهتاب خوش به هم رسید برای دفع کلفت و دلگیری به قصر برآمد و در دریچه نشسته به هر سو نظر می کرد و ناگاه گماشته فیل خانه ملک عبدالله را دید که در پای قصر ایستاده می خواهد چیزی عرض کند و جرئت نمی نماید سلطان گفت هر چه می خواهی عرض کن عبدالله غیر را در آنجا ندیده معروض داشت که دولتخواهی مثل عمادالملک سلطان ندارد و آنچه امرا به عرض رسانیدند، همگی بهتان و خلاف است.

تا به وقت نواخت نوبت سلطانی جهت دفع ملال و رفع کلفت بی خوابی در قصر آمده به دریچه نشست و به هر سو نظر همی کرد ناگاه نظرش به ملک عبدالله که گماشته فیل خانه بود افتاد که در پای قصر ایستاده می خواهد که چیزی عرض نماید اما جرأتی ندارد سلطان تفقدی فرموده گفت بگو آنچه در دل داری ملک عبدالله جا را از غیر خالی دیده به صد ادب عرض نمود که خیرخواه دولت مثل عمادالملک در این مملکت کسی نیست و امرا آنچه گفته اند همه کذب و افتراست.

بررسی های تاریخی نشان می دهد که این امر به سختی قابل قبول است که منظور صاحب تاریخ فرشته از طبقات محمودشاهی همین تاریخ مورد بحث است؛ چرا که کتاب مورد بحث فقط شامل زندگینامه پادشاهان مسلمان گجرات است؛ در حالی که در تاریخی که صاحب تاریخ فرشته به آن ارجاع می دهد، تاریخ شهرهای مختلف هند موجود است (تا وقتی که طبقات محمود شاهی سید خضر خان را کتاب جداگانه ای فرض نکنیم و در حال حاضر هیچ قرینه ای در این مورد وجود ندارد). پس کتاب طبقات محمودشاهی و کتاب تاریخ گجرات تألیف شرف الدین محمد دو کتاب جداگانه هستند؛ ولی این نظریه نیز اشکالاتی دارد:

۱. اگر این دو کتاب مختلف هستند؛ پس چرا از نظر سبک و تکرار واژه ها و عبارات ها مشابه یکدیگر هستند.

۲. طبقات محمودشاهی وقایع تاریخی تا سال ۹۰۵ ق را دربرمی گیرد و مطالب تاریخ گجرات تألیف شرف الدین محمد و تاریخ فرشته تا سال ۹۰۷ ق مشابه یکدیگر هستند.

در مورد اشکال اول می‌توان گفت که شاید مأخذ شرف‌الدین و مؤلف تاریخ فرشته یکی باشد؛ یعنی کتاب طبقات محمودشاهی تألیف عبدالکریم که به نام طبقات عبدالکریم نیز مشهور است و هر دو به نوبه خود از آن استفاده کرده باشند. ولی این جواب معقول نیست؛ چرا که شرف‌الدین نه تنها معاصر شاه محمود بود، بلکه به‌دربار شاهی وابسته بود و به‌ویژه شاهزاده مظفر (پسر محمود و جانشین وی) ممدوح وی بود. به‌همین دلیل شرف‌الدین برای ضبط وقایع زندگی محمود نیازی به کتاب دیگری نداشت تا این حد که جملات و عبارات آن را به‌عینه نقل کند. نکته مهم دیگر این است که شرف‌الدین کتاب خود را کمی پس از وفات محمود کامل کرد که اهمیت آن را می‌رساند و شاید به‌دلیل همین اهمیت، خان‌خانان به این نسخه توجه کرد و این نسخه زینت‌بخش کتابخانه وی شد.

در مورد اشکال دوم می‌توان چنین توضیح داد که دو نسخه دریافت شده این اثر نشان می‌دهد که طبقات محمود شاهی شامل واقعات تا سال ۹۰۵ هجری می‌باشد. در گلزار ابرار وقایع تا سال ۹۱۷ بیان شده‌اند. سید اکبر علی ترمذی بر این عقیده است که ممکن است مصنف وقایع سالهای ۹۰۶ تا ۹۱۷ را به‌طور تتمه در کتاب آورده باشد. بهر حال با توجه به یکسان بودن مطالب و طرز بیان و تکرار واژه‌ها و فقرات این احتمال باقی می‌ماند که شاید مؤلف فرشته به تاریخ گجرات دسترسی داشته است.

در کتاب‌های متعلق به تاریخ گجرات دو کتاب به نام طبقات محمود شاهی مشهور است. مؤلف یکی از آنها صدر جهان فیض الله بن زین العابدین بن حسین بنبانی است. او در ۹۰۷ به فرمان محمود شاه بیگره برای امر سفارت به‌بیدر فرستاده شد و همان‌جا به تألیف این تاریخ پرداخت. این اثر کتاب حجیمی است که شامل وقایع تا زمان مؤلف می‌باشد.<sup>۱</sup> عنوان آن تاریخ صدر جهان است ولی به‌علت یک نوشته مشتبه از نسخه مجموعه براون، عنوان آن در فهرست این مجموعه به اشتباه طبقات محمود شاهی نوشته شده است و به‌همین علت طبقات محمود شاهی ذکر شده در تاریخ فرشته این کتاب نیست. در ثانی مطالب تاریخ صدر جهان و کتاب مورد بحث ما خیلی با هم فرق دارند.

۱. پرشین لیتریچر: ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

کتاب دیگر الطبقات المحمودشاهیه است. مؤلف آن عبدالکریم<sup>۱</sup> است که در سال ۸۷۸ ق در برهانپور و در سال ۸۸۷ ق هنگام جلوس محمودشاه بهمنی به تحت سلطنت در بیدر موجود بوده است. در سال ۸۹۲ ق پادشاه هرمز او را به نزد پادشاه گجرات فرستاد و شاید به حکم محمود شاه بیگره وی یک کتاب تاریخ عمومی تألیف کرد که در طبقه نهم و خاتمه وقایع جالبی از دکن و به ویژه گجرات نقل شده است. به نظر استوری<sup>۲</sup> منظور مؤلف تاریخ فرشته از طبقات محمودشاهی گجراتی همین کتاب است. ولی همان طور که قبلاً نیز گفته شده است ما به قطع و یقین نمی دانیم که منظور مؤلف فرشته کدام کتاب است.

بعضی از پژوهشگران<sup>۳</sup> طبقات محمودشاهی و مآثر محمودشاهی را یکی می دانند ولی سید اکبر علی ترمذی در مقاله خود (اسلامیک کلچر، آوریل ۱۹۵۸ م) این نکته را واضح نموده است که عبدالکریم همدانی مؤلف تاریخ محمودشاهی و عبدالکریم مؤلف طبقات محمودشاهی دو شخصیت جداگانه هستند.

در نسخه مورد نظر ما وقایع به ترتیب سال ذکر شده اند و این سال به رنگ دیگر نوشته شده است. در نسخه مورد نظر این سالها به جوهر قرمز و جلی نوشته شده است:

• طبقه سوم از تاریخ گجرات در احوال سلطان محمود شاه بیگره از سنه ۸۶۳ تا سنه ۹۱۷ هجرت نبوی.

- سنه ۸۶۳ ق ورق ۲ الف
- سنه ۸۶۴ تا ۸۶۵ ق ورق ۴ ب
- سنه ۸۶۷ تا ۸۶۸ ق ورق ۵ ب
- سنه ۸۶۹ ق ورق ۵ ب
- سنه ۸۷۰ ق ورق ۶ الف
- سنه ۸۷۱ ق ورق ۶ ب

۱. پرشین لیتریچر، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

۲. همان، ص ۱۰۹ حاشیه.

۳. مطالب بیشتر در این مورد در مجله اسلامیک کلچر، شماره آوریل ۱۹۵۸ م موجود است.

- سنه ۸۷۲ ق ورق ۶ ب
- سنه ۸۷۳ ق ورق ۸ ب
- سنه ۸۷۴ ق ورق ۸ ب
- سنه ۸۷۵ تا ۸۷۸ ق ورق ۹ ب
- سنه ۸۷۹ ق ورق ۱۰ الف
- سنه ۸۸۰ تا ۸۸۶ ق ۱۱ الف
- سنه ۸۸۷ ق ورق ۱۳ ب
- سنه ۸۸۸ تا ۸۸۹ ق ورق ۱۴ ب
- سنه ۹۰۰ ق ورق ۱۶ الف
- سنه ۹۰۱ ق ورق ۱۷ الف
- سنه ۹۰۲ تا ۹۰۳ ق ورق ۱۷ الف
- سنه ۹۰۴ ق ورق ۱۷ الف
- سنه ۹۰۵ ق ورق ۱۷ الف
- سنه ۹۰۶ ق ورق ۱۷ ب.
- سنه ۹۰۷ تا ۹۱۱ ق ورق ۱۷ ب
- سنه ۹۱۲ ق ورق ۱۷ ب
- سنه ۹۱۳ ق ورق ۱۸ الف
- سنه ۹۱۴ ق ورق ۱۸ ب
- سنه ۹۱۵ تا ۹۱۷ ق ورق ۱۹ الف

در این کتاب کمتر مطلبی می‌توان یافت که در کتابهای تاریخی بعدی ذکر آن نیامده باشد و از این نظر این کتاب اهمیت خاصی ندارد. ولی بازیافت این نسخه بیانگر این موضوع است که تواریخ بعدی به‌علت اهمیت و صداقت مأخذ خود خیلی مهم هستند.